

فهرست

<u>صفحه</u>	<u>عنوان</u>
۷	پیشگفتار
۱۱	سخنی با هنرجو
۱۳	معرفی پرده‌ها
۱۸	تمرین
۲۰	معرفی انگشت‌ها
۲۳	تمرین
۲۴	تمرینات عملی دستان اول
۲۷	سه شکل برای تمرین
۲۹	مضرب چپ
۳۰	اجرای قطعه
۳۱	تمرینات عملی دستان دوم
۳۲	تغییر دستان و حرکت عرضی
۳۴	دستان سوم
۳۵	تغییر دستان

Shiraz-Beethoven.ir

<u>صفحه</u>	<u>عنوان</u>
۳۶	دستان چهارم
۳۶	تغییر دستان
۳۷	دستان پنجم
۳۷	تغییر دستان
۳۸	دستان ششم تا دهم
۳۹	تمرین نهایی
۴۰	معرفی مقدماتی دستگاه ها
۴۵	تذکر
۴۶	کوک کردن ساز
۴۸	چند نکته تئوری
۵۱	تمرین مضرب
۵۳	اجرای قطعه
۵۴	چند نکته درباره انگشت گذاری
۵۹	دو تحریر ساده
۶۱	مضرب چهارتایی
۶۲	درآب
۶۲	تک ریز
۶۲	چپ ریز

شیوه آموزشی که پیش روی شماست، به منظور ارائه یک مجموعه قوانین کلی موسیقی و ساز-تار و سه تار-تنظیم شده و سعی دارد از زیاده‌گویی و تکرار پرهیز کرده، تا آنجا که ممکن است، ذهن هنرجو را در فراگیری فعال کند. درک کلی قواعد می‌تواند از وابستگی بیش از حد هنرجو نسبت به کلاس و مدرس کاسته و مانع از القاء و تحمیل احتمالی سلیقه از جانب مدرس شود. بی‌شک هنرجو به واسطه کسب استقلال، در پیدا کردن فردیت خلاق و اعمال سلیقه شخصی، موفق‌تر عمل خواهد کرد. اگرچه در بعضی موارد آموزشی، ضرورت ارتباط با یک راهنمای متخصص و قابل اعتماد برای هنرجو غیر قابل انکار است. اولین شیوه آموزشی در این زمینه، کتاب «دستور تار» است؛ که ظاهراً پس از انتشار کتاب «دستور مقدماتی تار و سه تار» کمتر مورد استقبال و توجه مدرسین قرار گرفته است. از سال ۱۳۲۹ یعنی سال انتشار کتاب «دستور مقدماتی تار و سه تار» تا سال ۱۳۶۷ - تقریباً ۴۰

سال پس از آن - کتابی به جز دو کتاب ذکر شده، در این زمینه موجود نبوده، که با توجه به استقبال بیشتر مدرسین از کتاب «دستور مقدماتی تار و سه تار» می‌توان این کتاب را تقریباً تنها کتاب آن ایام دانست. اگرچه در آن سال‌ها، استادان بنام و صاحب نظر بسیاری در عرصه هنر موسیقی حضور داشته‌اند؛ ولی ظاهراً به واسطه مشغله‌های مهمتر، هیچکدام کتابی تدوین نکرده یا لااقل همان کتاب موجود را متناسب با شرایط زمانی اصلاح نکرده‌اند، کتابی که نسبت به زمان خود قابل تحسین است؛ ولی طبیعتاً با گذشت زمان، اشکالات آن بر همه مدرسین آشکار شده است. این کتاب، اخیراً توسط یکی از استادان، بازنگری و تا حدی رفع اشکال شد؛ ولی از چند سال قبل از آن، انتشار کتاب‌های متعدد آموزشی، از جانب استادان دیگر از ضرورت این تصحیح کاسته بود. تعدد کتاب‌های آموزشی که به نظر می‌رسد از سال ۱۳۶۷ آغاز شده و همچنان ادامه دارد شرایط آموزشی مناسبی را ایجاد کرده است. این شرایط مطلوب، نتیجه یک عمر تلاش و زحمت اساتید این رشته هنری است. استادانی که هر یک در نوازندگی، سبک و سیاق خاص خود را دارند و به واسطه همین خصوصیات منحصر به فرد، کاملاً منطقی است اگر در تدریس سطوح نسبتاً بالا، از اصطلاحات و نشانه‌گذاری‌های مخصوص به خود استفاده کنند. اما طرح این خصوصیت‌ها در مراحل ابتدایی آموزش نه تنها ضروری نبوده بلکه ممکن نیست. یک مقایسه عملی در مراحل ابتدایی تمامی کتاب‌های موجود مشخص می‌کند که همگی یک مطلب را و تقریباً به یک شکل دنبال می‌کنند. اگرچه برتری بعضی شیوه‌ها چه از نظر علمی، چه از نظر عملی و چه در توانایی انتقال مطلب به هنرجو نسبت به دیگر شیوه‌ها کاملاً محسوس است.

بعضی از استادان، کتاب آموزشی خود یا هنرمندان دیگر^۱ را اجرا کرده و به صورت نوار صوتی در اختیار هنرجویان قرار داده‌اند. از آنجا که موسیقی هنری است مربوط به صدا و شنیدار، این ابزار آموزشی بسیار مفید می‌باشد و هنوز مجال زیادی برای ارائه شیوه‌های آموزشی صوتی در قیاس با شیوه‌های آموزشی کتبی وجود دارد.

این کتاب به واسطه تأکید بر خلاصه قید کردن مطالب و پرهیز از عنوان بعضی مباحث موسیقی، شیوه‌ای ناقص به نظر می‌رسد و لازم است که مدرس با اضافه نمودن مطالب مورد نیاز و کمک گرفتن از یک یا چند کتاب دیگر، آموزشی کامل و جامع را ارائه نماید.

در این شیوه سعی شده تا آنجا که ممکن است دخالتی در آموزش سلفژ، تئوری و دشیفراژ - که همگی لازمه آموزش نوازندگی هستند - صورت نگیرد و همه این موارد به مدرس واگذار شود. چرا که کمیت و کیفیت آموزش این مباحث در مورد هنرجوهای مختلف، متفاوت و تشخیص آن به عهده مدرس می‌باشد. معمولاً مدرسین مجرب، برای تدریس مبانی و مباحث ذکر شده، روش و بیان خاص خود را دارند. از این رو شاید صحبت نکردن در این زمینه‌ها به مراتب مفیدتر از دخالت در آن باشد.

شهرام تیموری

زمستان ۱۳۸۵

معرفی انگشت‌ها و دستان‌ها

منظور از معرفی انگشت‌ها، نامگذاری و نقش هر یک از انگشت‌های دست چپ می‌باشد. در تمامی سازهای زهی، از انگشت سبابه تا انگشت کوچک، به ترتیب، انگشت اول تا چهارم نامیده می‌شوند. بطوری که انگشت سبابه، انگشت اول - انگشت میانی، انگشت دوم - انگشت انگشتر، انگشت سوم و انگشت کوچک، انگشت چهارم نامیده می‌شود.

اگر انگشتی برای گرفتن پرده‌ای به کار رود، انگشت بعدی، برای گرفتن پرده‌نت زیرتر آن (فاصله دوم آن) به کار می‌رود. مثلاً اگر انگشت اول برای پرده (سل) بکار رود انگشت دوم برای پرده (لا) و انگشت سوم برای پرده (سی) بکار خواهد رفت. البته در صورتی که کار انگشت سوم برایش مشکل بوده و مجبور به کشیده شدن بیش از حد باشد می‌توان انگشت چهارم را جایگزین انگشت سوم کرده، سوم را کاملاً معاف کرد. در نظر داشته باشید که مسافت بین پرده‌های مورد استفاده، همیشه به یک اندازه نیست.^۱ ضمناً ترتیب قرار گرفتن آنها نیز همیشه به یک صورت نمی‌باشد.^۲ برای درک بهتر این مطلب، وضعیت‌های (ر - می - فا)، (می - فا - سل) و (فا - سل - لا) را با یکدیگر مقایسه کنید.^۳

۱ - ممکن است در یک وضعیت، بین انگشتان شما دو مسافت یک پرده واقع شود و در وضعیتی دیگر یک مسافت نیم پرده و یک مسافت یک پرده بین آنها وجود داشته باشد. یا وضعیت‌های متنوع تری که در آینده با فراگیری دستگاه‌های مختلف موسیقی با آنها برخورد خواهید کرد.

۲ - ممکن است انگشت دوم از اول دور و سوم به دوم نزدیک باشد یا به عکس.

۳ - هر یک از این سه وضعیت، یک دستان نامیده می‌شود.

تغییر دستان و حرکت عرضی

با شناسایی دستان دوم، یک صدا به وسعت گام اضافه شده است. بنابراین به منظور استفاده از پردهٔ این صدای جدید که ضمناً زیرترین صدای گام می‌باشد، هر بار که تمرین گام و تکرار مسیر را در جهت بالا رونده اجرا می‌کنید مجبور به تغییر از دستان قبلی به بعدی هستید و برعکس.

تغییر بموقع دستان، خصوصاً در وضعیت بالا رونده بسیار اهمیت دارد. معمولاً تصور مبتدیان این است که تا ضرورت پیدا نکرده دستان را تغییر ندهند. این تصور در مورد حرکت معکوس، کاملاً صحیح است؛ ولی در رابطه با شکل بالا رونده به هیچ وجه صدق نمی‌کند. به بیان ساده می‌توان گفت در شکل بالا رونده، نوازنده در تغییر دادن دستان، عجلول است و به محض اینکه انگشت اول مأموریت اش را در دستان قبلی انجام داد، دستان را تغییر داده به دستان بعدی حرکت می‌کند و با اینکه انگشتان دوم و سوم نیز در دستان قبلی قابل استفاده هستند از آنها استفاده نکرده، آنها را در دستان بعدی بکار می‌گیرد. برعکس در شکل معکوس، تا زمانی که مجبور نشود به دستان قبلی حرکت نمی‌کند.

فراموش نکنید که قاعدهٔ ذکر شده فقط در مورد تغییر دستان‌های یک مرحله‌ای^۱ صادق است. چنانچه مجبور به تغییر دستان‌های چند مرحله‌ای شوید شکل تغییر دستان به چند عامل دیگر نیز بستگی دارد و قاعدهٔ آن پیچیده‌تر است.

۱ - منظور از یک مرحله‌ای، تغییر بین دستانهای مجاور می‌باشد. به طور مثال، از دستان اول به دستان دوم یا از دستان دوم به دستان سوم... و برعکس.